

خراسان شامی	روزنامه خراسان شمالی، گروه چهارم نشریات روزنامه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی چهارشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۰ ۲۹ رمضان ۱۴۴۲ شماره ۳۵۵۱	صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان مدیر مسئول: محمد سعید احدیان سردبیر: علی ولی‌زاده دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی (سازمان آب) پلاک: ۲۰۰۰۹۹۹ چاپ: شهر چاپ خراسان	صندوق پستی: ۹۱۷۳۵-۵۱۱ تلفن: ۰۵۱-۳۷۶۳۴۰۰۰ نامبر دبیرخانه: ۰۵۱-۳۷۶۲۴۳۹۵ دفتر مرکزی پذیرش اگهی: ۳۲۲۴۵۰۰۵	آدرس: بجنورد، خیابان طالقانی غربی، خیابان سنده به ایلاف، سنده به ایلاف ۱۶، کوچه دوم، پلاک ۹ تلفن اشتراک: ۰۷۱-۳۲۲۳۰۰۰۰ کد پستی: ۹۴۱۵۹۵۶۹۶ دفتر مرکزی: ۳۲۲۴۵۰۰۰۵	تجربه به ۳۲۲۴۷۲۲۲-۳۲۲۴۲۲۱۱ شماره ۳۲۲۴۷۲۲۲۲ مسئول تحریر به ۳۲۲۳۰۰۰۲۸ تلفن و نامبر سرپرست: ۳۲۲۳۰۰۰۱۴	حوادث
--------------------	---	--	---	--	--	--------------

شوکه

کنجکاوی در دسرساز مهمان درباره موهای پدر عروس

کلاه گیس پرماجرا

وقتی با تمسخر و خنده مهمانان مواجه می‌شود از کوره در می‌رود و با برداشتن کلاه گیس از روی سرش محکم آن را روی صورت مهمان فصول می‌کوبد و با او درگیر می‌شود و مراسم به هم می‌خورد. عروس دل شکسته در این باره گفت: سوال بی‌جا از پدرم در خصوص موهای چنان او را خشمگین کرد که با فامیل داماد گلاویز شد و مراسم را به هم زد و به همه اعلام کرد که دیگر به این خانواده دختر نخواهد داد.

به خاطر یک کلاه گیس مراسم مقدم به هم خورد و تا الان هم پا در میانی بزرگان فامیل برای عوض کردن نظر پدرم راه به جایی نبرده است چون او سر کلاه گیس اش خیلی خجالت کشید و عصبانی است.

خودش جلب و فکر او را به خود مشغول می‌کند که آیا این موها طبیعی یا از کلاه گیس استفاده کرده است؟ فامیل کنجکاو پنهانی از تعدادی از مهمانان این موضوع را می‌پرسد اما هیچ کدام جواب درستی نمی‌دهند. مدتی از این ماجرا می‌گذرد تا این که روز مراسم عقد عروس و داماد در محضر فرا می‌رسد. همه چیز به خوبی پیش می‌رود تا این که ناگهان فامیل داماد این بار برعکس قبل با صدای بلند از پدر عروس درباره طبیعی یا مصنوعی بودن موهایش سوال می‌کند. همان موقع ورق برمی‌گردد و این حرف مثل بزنین روی آتش می‌شود.

پدر عروس که به این قضیه حساس و تا آن روز این ماجرا را از فامیل پنهان کرده بود

صدیتی- کنجکاوی مهمان درباره موهای پدر عروس ماجرای عجیب و پر درگیری را رقم زد.

پدر عروس که به خاطر کم پشت بودن موهایش از کلاه گیس استفاده کرده بود، خیر نداشت که این موضوع سوژه فامیل داماد و در روز عقد دخترش جنجالی برپا می‌شود. بنا بر اظهارات عروس دل شکسته ماجرا از این قرار است که پدر وی برای برطرف کردن مشکل کم پشتی موهایش از کلاه گیس استفاده می‌کند و به فامیل نیز می‌گوید که دلیل پر پشت بودن موهایش استفاده از داروهای خاصی است. مدتی از این ماجرا می‌گذرد تا این که شب خواستگاری، موهای پدر عروس توجه یکی از افراد فامیل داماد را به

کودک ناشنوا و سرگردان نجات یافت

کودک ناشنوایی که با گم کردن راه خود و خانواده اش در مسیر جاده بجنورد - آشنخانه سرگردان شده بود، با گزارش مردمی و حضور به موقع پلیس نجات یافت. بر اساس گزارش پلیس، در پی مشاهده کودک ناشنوایی در مسیر بجنورد - آشنخانه توسط مردم و گزارش به پلیس گشت کلانتری ۱۱ شهرستان با توجه به احتمال آسیب دیدن این کودک در این بزرگراه پرت تردد مأموری به سرعت به محل اعزام می‌شود و پس از مدتی کودک مذکور را در جاده اصلی و در محل دوراهی پیش قلعه می‌یابد. پس از حضور کودک در کلانتری و اطلاع از ناشنوا بودن وی، برای یافتن خانواده این کودک توسط عوامل کلانتری تلاش می‌شود و خوشبختانه پس از مدت کوتاهی تلاش ماموران به ثمر می‌نشیند و آدرس محل زندگی کودک توسط ماموران پیدا می‌شود.

بازگرداندن خودروی سرقتی به صاحبش

فرمانده انتظامی فاروج از دستگیری سارق سابقه دار و کشف یک دستگاه خودروی سرقتی در این شهرستان خبر داد. سرهنگ «علیرضا پوربه» با اعلام جزئیات این خبر گفت: در پی وقوع سرقت خودروی پژو در شیروان و اطلاع از تردد این خودرو در حوزه استحفاظی این فرماندهی، موضوع با جدیت در دستور کار پلیس قرار گرفت. وی با اشاره به این که ماموران پاسگاه انتظامی نجف آباد با انجام اقدامات فنی و اطلاعاتی دریافتند که خودروی مورد نظر در منزلی در حوالی شهرستان فاروج قرار دارد و بلافاصله به محل اعزام شدند، افزود: ماموران با هماهنگی قضایی در بازرسی از منزل مورد نظر خودروی سرقتی را کشف و به مقر انتظامی منتقل کردند. وی با بیان این که در این خصوص یک متهم نیز دستگیر شد، تصریح کرد: متهم بعد از تشکیل پرونده برای انجام مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شد.

۲ شکارچی متخلف در تور قانون گرفتار شدند

۲ شکارچی متخلف چهارپایان در تور قانون گرفتار شدند. بنا بر اظهارات رئیس اداره حفاظت محیط زیست جاجرم، یکی از کارگران معدن بوکسیت این شهرستان با همکاری یک نفر دیگر به شکار یک رأس بزغاله وحشی اقدام کرده بودند که با گزارش یکی از همیاران شناسایی شدند. بعد از آن حراست شرکت آلومینا با همکاری یگان حفاظت محیط زیست شهرستان به بازرسی از کوله پشتی کارگر متخلف اقدام کردند و لاشه بزغاله کشف و ضبط شد. «صفرزاده» اعلام کرد: ۲ متخلف پس از تشکیل پرونده به منظور سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شدند.

تصویری

ماجرای سارقی که با کارت عابر بانک سرقتی لورفت

ترفندها و سوژه‌های کیف‌قاپ

صدیقی

خانه دار بود و سر یک اتفاق و زورگیری دچار اشتباه و به سمت جیب بری کشیده شد. البته می‌گوید که خودش هم طمع کرد چون می‌خواست از یک طرف انتقامش را از مردها بگیرد و از طرفی مشکلات مالی اش را برطرف کند. زن جوان دوران کودکی بدی را پشت سر گذاشت و سر این ماجرا دچار اختلال روانی شد. او به تبعیت از مادرش که او را در نوجوانی به باد کتک می‌گرفت، فرزند بی‌پناهش را کتک می‌زد تا آرام بگیرد. وارد بازی سیاه سرقت شد اما خبر نداشت که باید تاوان سختی را در زندان پس بدهد. در ادامه گفت و گوی خبرنگار ما را با زن ۳۵ ساله زندانی می‌خوانید که از ترفندها و سوژه‌های سرقتش می‌گوید.

به چه جرمی روانه زندان شدی؟

به جرم کیف‌قاپی و جیب‌بری دستگیر و زندانی شدم.

متاهل هستی و فرزند داری؟

بله، همسر و یک فرزند دارم. نمی‌دانم چطور به چشمان پسرم نگاه کنم چون من او را پیش دوستان و فامیل شرمندۀ کردم.

دوران نوجوانی‌ات در خانواده چگونه گذشت؟ خانواده پر جمعیتی داشتیم و پدرم یک فرد بازنشسته و مادرم هم خانه دار اما خیلی عصبی بود. در واقع اعضای خانواده ام پسر دوست بودند و زیاد به دختر محل نمی‌گذاشتند، با این که تمام کارهای خانه را انجام می‌دادم اما هر روز از مادرم کتک می‌خوردم. این ماجرا تاثیر خیلی بدی روی من گذاشت و به نوعی عقده‌ای شده بودم.

چطور شد به سمت جیب‌بری و کیف‌قاپی رفتی؟

همه چیز از یک زورگیری از من در یک خیابان شروع شد. در روز حادثه مقداری پول داخل کیف ام بود و قرار شد آن را به پدرم بدهم چون از او قرض گرفته بودم. عصر بود، داخل خیابان منتظر تاکسی بودم که ناگهان سرنشینان یک موتورسیکلت یک جسم نوک تیز را پشت گردنم گذاشتند و به زور کیف، دستبند و انگشترم را به سرقت بردند. سر این قضیه تا مدتی از وحشت شب‌ها کابوس می‌دیدم. بعد از شکایت متوجه شدم سارقان خیلی شاکمی دارند و اصلا هم ترسی از زندانی شدن ندارند. این گونه من هم به فکر جیب‌بری افتادم و به خودم گفتم اگر دستگیر شوم فرصت

دارم از شاکیان رضایت بگیرم و آزاد شوم. البته غیر از این ماجرا یک روز کیف مدارکم داخل یک ماشین جا ماند تا این که بعد از چند روز راننده آن زنگ زد و به خاطر تحویل کیف از من درخواست وجه غیرمتعارف و مؤذگانی کرد، سر این ماجرا خیلی ناراحت شدم و خواستم با کیف زنی از برخی مردان سوذجو هم انتقام بگیرم.

چطور سوژه‌هایت را انتخاب می‌کردی؟

از قبل شخصی را انتخاب نمی‌کردم. زمانی که برای خرید مایحتاج زندگی ام به خیابان می‌رفتم در مسیر افرادی را که سهل انگار و بی‌خیال کیف‌شان بودند، انتخاب می‌کردم که اغلب خانم بودند و در یک فرصت مناسب با نزدیک شدن به آن‌ها و تنه زدن و ترفندهای دیگر محتویات داخل کیف‌شان را سرقت می‌کردم. البته اغلب در داخل خط واحد و همچنین متروی تهران موقع ازدحام مسافران به سوژه‌هایم نزدیک می‌شدم و از شلوغی محل سوءاستفاده می‌کردم و سر فرصت به کیف‌شان دستبرد می‌زدم.

خودت مثل مادرت بچه‌ات را کتک می‌زدی؟

بله به خاطر فشارهای روحی که به من وارد شده بود مثل مادر مرحومم عصبی شده بودم و پسرم را کتک می‌زدم. شوهرم مرا نزد دکتر نمی‌برد و غرق در مواد خودش بود. روانی شده بودم و با کوچک‌ترین بازگوشی بچه ام یاد پیچی‌های خودم می‌افتادم و او را کتک می‌زدم اما بعد از آن پشیمان می‌شدم و تا مدتی گریه می‌کردم ولی گریه ام دردی را دوا نمی‌کرد. شوهرم بیکار و سرقت از مردم برایم به یک عادت تبدیل شده بود.

اجناس سرقتی را چه کار می‌کردی؟

از کارت‌های عابر بانک سوءاستفاده می‌کردم و با آن‌ها از مغازه‌ها جنس می‌خریدم و بعضی مواقع هم مدارک سرقتی را پیش فروشنده امانت می‌گذاشتم تا پولش را برگردانم اما دیگر به آن‌جا بر نمی‌گشتم. از برخی مغازه‌ها با پول‌های سرقتی ابتدا به شکل نقدی خرید می‌کردم تا نظر فروشنده را جلب کنم و بعد از آن با کارت سرقتی برای خرید می‌رفتم که هنگام کشیدن کارت دستگاه جواب نمی‌داد چون مسدود بود و در این موقع از فروشنده می‌خواستم اجناس را با یک آژانس به خانه ببرم و بعد از آن پول را به راننده بدهم تا او به دست فروشنده برساند. وقتی فروشنده در رودربایستی قرار می‌گرفت و البته اعتماد بی‌جا می‌

انجمن حمایت از بیماران سرطانی عطوفت

هم استانی عزیز :

در حمایت از بیماران سرطانی امروزمان را فردا نکنیم و بر امید درمان و شفای این عزیزان دردمند بیافزائیم
در روز عید سعید فطر
به همراه همیاران عطوفت در ۱۲ پایگاه استقرار صندوقهای خیریه عطوفت منتظر حضور سبزتان هستیم

پایگاه های عطوفت :

۱- میدان شهید ۲- میدان کارگر ۳- میدان فردوسی ۴- میدان بازرگانی ۵- میدان دولت
۶- میدان آزادگان مسجد امام رضا ۷- میدان خرمشهر مسجد صفایی ۸- چهارراه مخابرات
۹- چهارراه ۱۷ شهریور ۱۰- چهارراه باسکول ۱۱- مسجد امام خمینی ۱۲- مسجد انقلاب
۱۳- مسجد شهرک شاهد

شماره حساب چام بانک ملت :

۸۷- ۳۳۶۶۳۳۶۶

شماره کارت بانک ملی :

۱۷۷ ۹۸۷۵۱۹۹۸۷۹۹۱۰۳۷۶۰

شماره کارت غیر بانک پاسارگاد :

۴۴۷ ۱۳۲۲۰۱۳۲۲۹۱۰۲۲۲۵۰

شماره کارت غیربانک پارسیان :

۴۳۸۵ ۰۸۰۰۱۰۸۰۱۰۶۲۲۱۰۶۲۲۱

شماره اختصاصی پرداخت کفاره:

پانک صادرات

۱۴۷۷ ۶۰۳۷۶۹۱۹۰۳۸



بجنورد، دوچنار، خیابان برنجی ، تلفن روابط عمومی : ۰۵۸ ۳۲۲۴۴ ۷۳۳۷
اسفراین ، خیابان امام رضا ، امام رضا ۷ تلفن : ۰۵۸ ۳۷۲۴۴ ۲۲۳۹